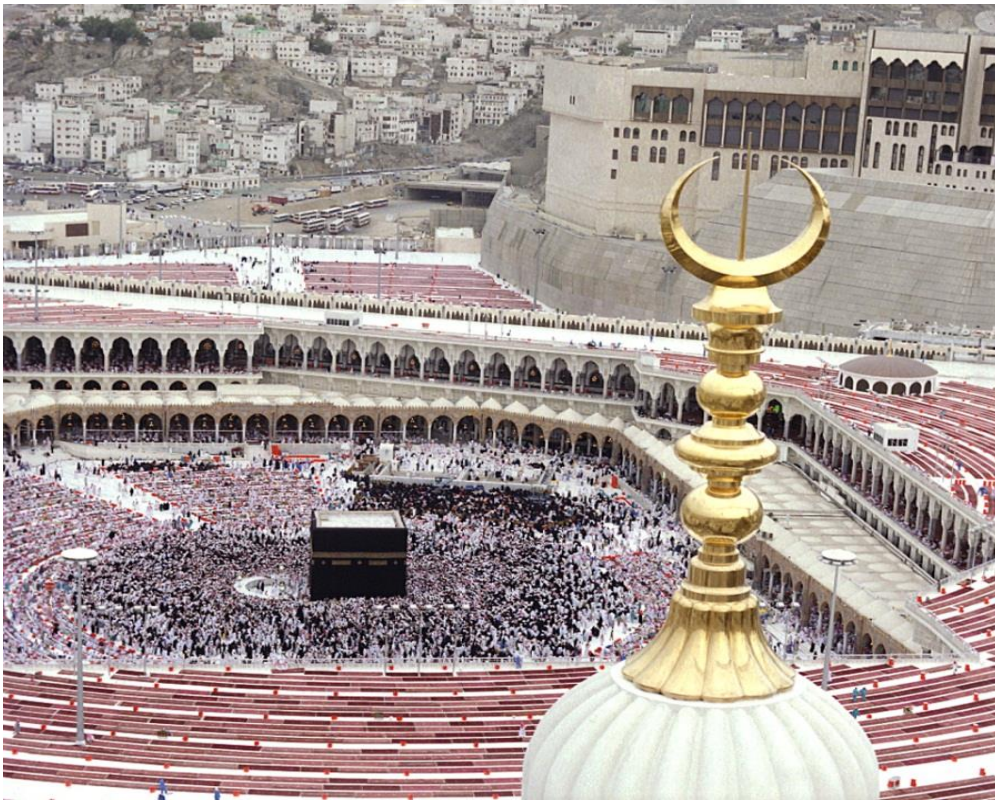




۲۰۱۶/۱۰/۱۸

مصطفی عمرزی

پیرامون اعمار پوهنتون بزرگ اسلامی در افغانستان



به ایجاد پوهنتون بزرگ اسلامی در افغانستان، نیاز داریم!

وقتی نمایندگی قم (حوزه علمیه خاتم النبیین که بعداً به دانشگاه... تعدیل گردید) گشوده شد و در مدتی که فارغان مدارس دینی پاکستان و حوزه های تعصب، در افغانستان، قربانی های زیادی گرفتند، کمتر کسی پیدا شد - با دید ژرف، مسأله را تحلیل کند.

حوزه علمیه خاتم النبیین، ضرورت فرهنگی و مدنی عنوان شد و از جانی هشدار دادند که نیاز های جامعه ده در صد اهل تشیع افغانستان، ایجاباتی دارد که باید در کشوری که نود در صد آن اهل سنت است و فقط چند فاکولته

شرعیات دارند و همچنان محتاج مساجد می مانند، اولویت های شیعیان آن قدر زیاد اند که باید از پول های به ظاهر جهادی شیخ آصف محسنی که سهم جهادی جالبی هم ندارد، درست شود و تمامی مدیریت ساختمانی، اجندای درسی و بالاخره میلیون ها دالر برای چرخاندن این چرخه آخندی که طی یک دهه، مصارف آن بالاتر از قیمت ساخت و ساز آن خواهد بود و معلوم است که هیچ محسنی ای که فاقد تجربیات سرمایه داری است، پول جهادی بیشتری نخواهد داشت تا آن را همیشه بچرخاند، از سوی ایرانیان صورت گیرد.

طرف مقابل این جریان، با طیف مخالفان مسلح، نیازی به نقد ندارد و همه چیز آشکارست، اما آن چه مهم است، وقتی تفکراتی باعث می شوند تا ما با دو پدیده متضاد (شیعه و سنی خارجی) مواجه شویم که وقتی با تولیدات حوزه به اصطلاح علمیه ... بحث کنیم، فارغان مذهبی این نهاد، پیش از آن که دارایی های مهم علمی داشته باشند، حتی در جامعه روحانی، مدعی می شوند که افغانستان، ایران شرقی است و خدا می داند دیگر چه افغانستان سنتیزی هابی در آن جا درس داده می شوند و در سوی دیگر، فارغان مدارس دینی پاکستان، تخریب افغانستان را وجیهه اسلامی خیال می کنند و این هر دو طرف، هم در حال و هم در آینده، افغانستان را با ایجاد معضلات تهدید می کنند، اما وقتی برای اولین بار کوشش شد پوهنتونی ایجاد شود که نه فقط مشکلات دینی مردم دیندار ما را حل کند تا دیگر مجبور نباشند فرزندان خود را تحویل حوزه های دینی ضد افغانستان دهند و مهمتر از همه، چنان نهادی به وجود آید که مشکل نود درصد اهل سنت افغانستان مرفوع شود، چنان هیاهویی درست می کنند که از سایکولار های غربگرا تا طرفداران ولایت فقیه ردیف دارد و کسی هم خودش را زحمت نداد که اگر این پوهنتون فقط با این بهانه که روی ارزش های اسلامی - وهابی کار می کند، مسدود شود، اینان باید پاسخ می دادند که چه خیری از فارغان مراکزی داشته ایم که یا ایرانی اند و یا پاکستانی.

اگر عاقلانه فکر کنیم، با مدیریت این مرکز (پوهنتون اسلامی) که یکی از بزرگ ترین مراکز اسلامی در سطح منطقه خواهد بود، نه فقط فارغانی خواهیم داشت که برخلاف تبلیغات ضد وهابیان، روشنگری های زیادی دارند تا اسلام را امروزی تر بشناسیم، بل با مدیریت افغانی این مرکز، فارغان این پوهنتون، کسانی خواهند بود که برخلاف محصلان نمایندگی قم و مدارس پاکستانی، افغانستان و افغان بودن خودشان را فراموش نکنند.

اگر شعور سیاسی وجود داشته باشد، این مرکز بزرگ اسلامی، سیاست های افغانی را کمک خواهد کرد در جهت منافع افغانستان، محصلانی داشته باشیم که حد اقل با سنت بی طرفی فرهنگ افغان ها، وقتی از ایران و پاکستان اند، پس از فراغت، افغانستان را ایران شرقی و راهی به سوی جنت نشمارند.

تبلیغات میان تهی، به اصطلاح مدنی و روشنفکری که ناخودآگاه، زیر تاثیر ولایت فقیه نیز قرار می گیرند، شماری را واداشته اند برای جلوگیری از ایجاد پوهنتون اسلامی ای که توسط عربستان سعودی تمویل می شود، خود ما را چهارپا بسازیم و از خیر این مرکز بگذریم - تا همچنان الاغی بمانیم برای سوارکاری سیاسی دیگران.

مفاد پوهنتون اسلامی با حمایت دولت عربستان، هزار مراتبه بیشتر از ضرر آن است و در شرایطی که با تولیدات ملایی ایرانی و پاکستانی، موضع سیاسی می سازند، برای تقابل سیاسی به پوهنتون اسلامی ای ضرورت داریم که افغانان مسلمان را فراموش نکنند.

در حالی که مراکز بزرگ عمرانی، در شمار تأسیسات بزرگ زیر بنایی، ضرورت اساسی در ساماندهی اجتماعی به شمار می روند، مفاد اقتصادی آن ها مثال پوهنتون ها، باعث به میان آمدن محور های بزرگ انسانی می شود. اگر موفق شدیم و از خیر پوهنتونی که تحفه دم نقد است، به خوبی استفاده کردیم، معیار های علمی، تمرکز بشری،

صرف مصارف و مخارج و تأمین نیاز های اولیه این مراکز، در جامعه ما که حتی در حد شخصی، نیاز به ایجاد شغل دارد، هزاران شغل کوتاه مدت و دراز مدت ایجاد می کند تا در حول این تأسیسات، از امور ساختمانی و تأمین نیاز های آن از بازار داخلی - تا رشد طیف جدیدی از نخبگان افغان که باید با طرح هایی از قبل، سطح کیفیت علوم انسانی را نیز بلند ببرند، مراکزی چون پوهنتون های بزرگ اسلامی، به بخش قابل ملاحظه ای از چرخ فعالیت های مدنی، اقتصادی و فرهنگی ما مبدل خواهند شد و هم در سطح ولایات و پایتخت، نقش نمادین عمرانی آن ها باعث کیفیت نگرش در ساخت و ساز می شود.

یادآوری:

پس از آن که مشاهده کردند، بازار آزاد افغانستان، هیچ تعهدی در قبال منافع افغانستان ندارد، نام حوزه علمی خاتم النبیین را با نام دانشگاه خاتم النبیین، تعویض کردند و این کار را عمداً انجام دادند؛ زیرا تا پیش از این تعویض عمدی، نام حوزه علمی با آن ترکیبات عربی، مشکل ساز نبود. در افغانستان، کلمه پوهنتون که در جامعه ما مأمول و پذیرفته شده و نزد عام عمومیت دارد و متأسفانه بر اثر سیاست های بیرونی و شماری از عوامل بیگانه، از کلمه دانشگاه، بسیار عقده مندانه در برابر کلمه پوهنتون، استفاده می کنند و این باعث شده است تا رواج مترادف دری کلمه پوهنتون که ظاهراً دانشگاه است، سیاسی شود و با ایجاد اختلافات ناشی از آن، دشمنان کوشش کنند در جهت مقاصدی که از راه دانشگاه هایی چون نمایندگی قم در کابل، دنبال می کنند، فرصت ها را برای از همپاشی^(۱) فکری افغانان، بیشتر سازند.

پایان بی پایان

^۱ همایش در زبان فارسی ایران به (جلسه)، (مجلس) و نیز برای کنفرانس و گردهمایی گویند.